

احیای ۱۳۰۷ واحد صنعتی در سال جاری

وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: «از ابتدای سال تا به امروز، هزار و ۳۰۷ واحد صنعتی تعطیل کشور با ۱۸ هزار و ۹۲۷ نفر اشتغال، دوباره فعال شدند، طبق شناسایی ها و هدف گذاری های انجام شده باید تا پایان سال، این آمار به هزار و ۶۹۳ بنگاه برسد.» به گزارش «ایسنا»، رضا رحمانی در ستاد راهبردی اقتصاد مقاومتی استان مرکزی، گفت: «در دولت و مجلس باید یک کارگروه تشکیل شود تا بتوان مشکل تامین مواداولیه را مرتفع کرد تا خطوط تولید در ماه های آتی تعطیل نشود، بلکه آن بخشی هم که بدون استفاده بوده فعال شود. در صورتی که یک میلیارد دلار صرف ساخت و تولید شود، می توان حداقل ۵۰ هزار شغل ایجاد کرد.»

یکشنبه ● ۱۸ آذر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هشتاد و یک

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

«آینه‌نو» سخنان رئیس‌جمهور در مورد افزایش ۲۰ درصدی حقوق را بررسی کرد

تکاپو برای افزایش حقوق و دستمزد



موضوع لزوم افزایش حقوق اقشار با درآمد ثابت متناسب با تورم -اشاری مثل کارگران، کارمندان، فرهنگیان و...- در حالی این روزها به کرات از تریبون های مختلف به گوش می رسد که رئیس‌جمهور به عنوان عالی ترین مقام اجرایی کشور نیز در تازه ترین صحبت خود با تاکید بر این افزایش، آن را به همه حقوق بگیران و بازنشستگان -البته در سال آینده- وعده داد. اما اینکه دولت منابع لازم برای این افزایش را از کجا تامین می کند و از سویی کارفرمایان با توجه به شرایط اقتصادی شان چقدر می توانند با این برنامه دولت همراهی کنند هنوز مبهم است. برخی معتقدند، منظور رئیس‌جمهور از افزایش ۲۰ درصدی حقوق همه حقوق بگیران، تنها حقوق بگیران دولت بوده است، اما اگر این گونه باشد، آنگاه رقم افزایش حقوق کارگران و بازنشستگان تامین اجتماعی نیز نمی تواند کمتر از این میزان باشد.

ورود موج تورمی به بازار و افزایش چندبرابری قیمت کالا، افزایش میزان حقوق کارگران و کارمندان را ضروری کرده است. اما با توجه به رشد ۷۰ درصدی قیمت برخی کالا های اساسی، گفته می شود حتی افزایش ۲۰ درصدی حقوق با وضعیت صعودی خط فقر؛ کمک موثری به سفره خانواده ها نمی کند. ضمن آنکه کارشناسان حوزه کار تاکید دارند حقوق های فعلی کارگران کمتر از ۵۰ درصد هزینه های آن ها را پوشش می دهد و در ادامه بحران های اقتصادی و بیکاری، ارزش آن کمتر هم می شود.

با احتساب ضروری ترین نیازهای زندگی یک خانواده چهار نفره و حتی با حذف برخی از اقلام کم اهمیت تر، حقوق و دستمزد باید نزدیک به یک میلیون و حتی بیشتر افزایش پیدا کند تا هزینه های اساسی خانواده ها را تامین کند. برای مثال، «حداقل هزینه» سرانه «مصرف روزانه» اقلام خوراکی در شش ماه اول سال ۹۷، ۹ هزار و ۸۳ تومان بوده، همچنین «حداقل هزینه مصرف ماهیانه مواد غذایی» حدود ۹۱۰ هزار تومان برآورد شده که در کمیته دستمزد شورای عالی کار با احتساب تاثیر سهیم ۷/۲۵ درصدی مواد خوراکی در سبد معیشت به استناد آمار بانک مرکزی، هزینه معیشت ماهیانه یک خانوار کارگری حدود سه میلیون و ۴۵۰ هزار تومان تعیین شد. این آمار را اگر در کنار رشد دودرصدی تورم نقطه به نقطه بآن ماه نسبت به مهر، همچنین رشد روزانه قیمت کالا های اساسی و رشد بیش از ۸۰ درصدی قیمت مسکن و به تبع آن اجاره ها، قرار دهیم به مراتب رقم بیشتری را باید بابت تامین هزینه های ضروری زندگی خانواده ها -آن هم در سطح حداقلی آن- پرداخت.

بر این اساس، هزینه معیشت ماهیانه یک خانوار کارگری که در اسفند سال گذشته دو میلیون و ۶۲۰ هزار تومان بود، بر اساس محاسبات مورد توافق در کمیته دستمزد شورای عالی کار به دلیل شرایط اقتصادی به سه میلیون و ۴۵۰ هزار تومان رسیده. به عبارتی حداقل درآمد مورد نیاز برای یک زندگی حداقلی در ماه با احتساب میانگین کل کشوری ماهیانه سه میلیون و ۴۵۰ هزار تومان است که افزایش ۲۰ درصدی حقوق، نزدیک به یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان آن را تامین خواهد کرد. این رقم البته با توجه به سطح متفاوت دستمزد گروه های حقوق بگیر متفاوت خواهد بود.

بر اساس آخرین داده های مرکز ملی آمار ایران، قیمت برخی از



هزینه معیشت ماهیانه یک خانوار کارگری که در اسفند سال گذشته دو میلیون و ۶۲۰ هزار تومان بود به دلیل شرایط اقتصادی به سه میلیون و ۴۵۰ هزار تومان رسیده است.

کالا های اساسی نسبت به ماه مشابه سال قبل (آبان ۱۳۹۶) به شدت افزایش پیدا کرده و از آنجایی که این کالا ها در شمار اقلام پر مصرف و ضروری خانوار به شمار می آیند، نمی توان رشد قیمت های آن ها را نادیده گرفت. برای مثال، افزایش قیمت انواع گوشت بالای ۵۰ درصد، ماهی بالای ۶۰ درصد و میوه و خشکبار بالای ۷۰ درصد بوده است و در برخی اقلام مثل «رب گوجه فرنگی»، افزایش قیمت با ۴/۲۴۴ درصد و «موز» با ۷/۱۶۵ درصد افزایش، رکورد زده اند. اگر تصور بر این باشد که جهش قیمت «رب گوجه فرنگی» و «موز» هر کدام به دلایل جداگانه -مثل فصلی بودن برداشت گوجه فرنگی و از ریز بودن واردات موز- قابل درک باشد، اما اینکه «سیب درختی زرد» با ۶/۱۰۳ درصد افزایش، رشد قیمتی شدیدی را تجربه کند، در نوع خود قابل توجه است. بر اساس گزارش های موجود، نرخ تورم نقطه ای محصولات خوراکی طبقه بندی نشده هم به مرز ۱۰۰ درصد رسیده است.

توانایی برخی بنگاه ها برای افزایش دستمزد

مجید رضا حریری، عضو اتاق بازرگانی تهران در این رابطه با تاکید بر اینکه برخی از بنگاه ها قادر به افزایش دستمزد هستند، به «آینه نو» توضیح می دهد: «به تناسب با لا رفتن نرخ تورم، همچنین رشد قیمت ها، تولیدکننده ها نیز قیمت ها را بالا کشیده اند. به عبارتی در چنین شرایطی بنگاه ها چه تولیدی و خدماتی در یک موضع دفاعی اند و برای حفظ و بقای فعالیت های خود در این شرایط بی ثبات اقتصادی، جبران هزینه کرده و افزایش قیمت داده اند. بنابراین قادر به پرداخت دستمزدهای بیشتر هستند. تنها دسته ای از بنگاه ها مشمول این رشد قیمتی نشده و توان پرداخت دستمزد را ندارند که

پژش

دسته ای از بنگاه ها توان افزایش دستمزد را ندارند که لازم است دولت آن ها را شناسایی کرده و به نسبت فشاری که بر آنان است، تغییراتی در دستمزد کارگران زیر مجموعه آن ها با سازوکارهای جدید -با استفاده از منابع دولتی - ایجاد کند. اما در رابطه با حقوق بگیران دولت مسئله ساده تر می شود. افزایش نرخ دلار، فرصت زیادی به دولت برای پوشش کسری بودجه داده است.



کتی نو

ضامن جبران کسری آن ها باشد، چرا که دولت در حال حاضر نیز از پرداخت حقوق برخی از کارکنان زیرمجموعه خود عاجز شده است، بنابراین حتی اگر اشتباه و تقصیر گرانی های اخیر را به گردن دولت بیندازیم و از دولت توقع جبران کسری ها را داشته باشیم، در صورت اراده دولت، باز هم ذخایر دولتی برای پوشش این حجم از مطالبه کافی نیست. دولت می تواند با توانمندسازی کارفرمایان، مشکل افزایش دستمزد را حل کند. چرا دولت وقتی که قادر است با حذف یا برداشتن برخی از مطالبات از دوش کارفرمایان مثل مشوق های مالیاتی یا بیمه ای، بخشی از فشارهای مالی به آن ها را کم کند، خود مسئولیت پرداخت دستمزد را بر عهده بگیرد یا به طور مستقیم و از ذخایر عمومی در پی کمک به اقشار حقوق بگیر بر بیاید که شاید در آینده، انتظارات جدیدی برای وی ایجاد کند؟»

حداقل افزایش حقوق باید ۳۰ درصد باشد

فتح الله بیات، رئیس اتحادیه کارگران قراردادی نیز در این باره با تاکید بر ضرورت افزایش حقوق متناسب با افزایش هزینه های زندگی، به «آینه نو» می گوید: «فاصله بین دستمزد و هزینه های معیشتی سال های قبل هم وجود داشته، اما این فاصله با توجه به رشد غیرمنتظره قیمت ها چندبراب شده است. یعنی اگر طبق روال معمول قرار بوده همه ساله و بر اساس تورمی که ناشی از افزایش دستمزد هاست، درصدی به قیمت ها اضافه شود امسال این نرخ به اندازه سه یا چهار سال افزایش داشته در حالی که تغییری در میزان دستمزد به وجود نیامده و دولت و کارآفرینان نیز در عمل قادر به پوشش این فاصله چندبرابری نشده اند. نه از دولت و نه از کارفرما توقعی برای افزایش دستمزد در سطحی که جبران کنندنده نیازهای معیشتی باشد، نیست، اما حداقل انتظار می رود، میزان افزایش حقوق بتواند دوسوم هزینه های خانواده ها را پوشش بدهد. برای مثال، حالا که قدرت خرید مردم ۰۵ درصد پایین آمده، لازم است حداقل افزایش دستمزد ۳۰ درصد باشد یا اینکه در کنار افزایش ۲۰ درصدی، بخشی از کالاهای مورد نیاز خانوارها یا یارانه در اختیارشان قرار بگیرد.»

افزایش ۲۰ درصدی حقوق و معیشت حقوق بگیران

بیات در ادامه با اشاره به اینکه افزایش ۲۰ درصدی تاثیر چندانی در تغییر وضعیت زندگی حقوق بگیران چه دولتی و چه غیر آن، نخواهد داشت، ادامه می دهد: «مسئله رشد هزینه ها در کشور ما حالا دیگر صرفا یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه فراتر از آن با حیات و جان مردم سروکار دارد. کسانی که هیچ درآمد و حقوق ثابتی ندارند با چه پشتوانه ای قادر خواهند بود با تکیه بر رقم ناچیز یارانه و مبالغ کمکی دولت و نهادهای حمایتی که بسیار هم ناچیز است، زندگی کنند. در این میان برای فعالان بخش خصوصی نیز راه میانبر برای دورزدن افزایش حقوق، زیاده است؛ هم می توانند با تعدیل نیروی کار و وظایف خود در قبال کارگران سر باز زنند و هم شرط استخدام کارگران را پذیرش شرایط مورد نظر بنگاه اعلام کنند که پرداخت دستمزد در رقم های کم می تواند یک مورد آن باشد. کارکنان دولت هم با وجود برخی مزایای غیر نقدی و پاداش، تحت فشارهای تورمی هستند، اما فشار تورم به کارگران و بازنشستگان تامین اجتماعی به مراتب بیشتر است و افزایش ۲۰ درصدی حقوق نیز دغدغه های معیشتی را با این نرخ تورم فعلی -که بر اساس پیش بینی ها بیشتر هم می شود- حل نمی کند.»



اشتباه تکراری در افزایش یکسان حقوق و دستمزد

اعطای مشوق به کسب و کارها، همچنین بنگاه های اشتغال زا از جمله سیاست هایی است که در همه کشورها به منظور حمایت از نیروی کار و به تبع آن افزایش میزان رفاه مردم صورت می گیرد. در بسیاری از کشورها که با این الگو پیش رفته اند، میزان عرضه کار به اندازه ای بوده که دست کارمند یا کارگر در گزینش شغل مورد نظر با میزان دستمزدی که وی می خواهد، باز است. رقابتی که به این دلیل بین بنگاه ها برای جذب نیروی کار وجود دارد، احتمال هرگونه کم کاری یا کوتاهی به ویژه در پرداخت دستمزد را از جانب بنگاه ها از میان می برد، اما متأسفانه این بازار رقابتی به ویژه در ارتباط با یافتن شغل، نه تنها در کشور ما وجود ندارد، بلکه برعکس، این نیروی کار است که به دلیل عرضه زیاد خود را با خواسته کارفرما هماهنگ کند و حتی در شرایط بحرانی آن ها را وادار به پذیرش شرایطی خواهد کرد که شاید به شدت ناعادلانه باشد. تعداد بنگاه های اقتصادی طی چند سال اخیر کمتر هم شده و فشار کمبود عرضه کار به زیان نیروی کار بوده است. اینجاست که نقش دولت به عنوان ناظر بر فعالیت های اقتصادی در زمینه تلاش برای افزایش تعداد بنگاه ها و فعالیت های اقتصادی وزنه

را به نفع کارگران تغییر دهد. رقابت ناسالمی که بین بخش های دولتی و خصوصی به راه افتاده باید از بین برود و در این میان اعطای دستمزد و پاداش به کارکنان بخش های دولتی متناسب با میزان بهره وری و بازدهی آن ها باشد. پرداخت حقوق های نجومی به مدیران دولتی باید متوقف شده و هر بنگاه دولتی به تناسب بازدهی، مشمول افزایش حقوق باشد. نه اینکه دولت در اقدامی اشتباه و تکراری، قانون یکسان برای همه در پرداخت دستمزد، در نظر بگیرد. افزایش ۲۰ درصدی پرداختی همه حقوق بگیران، یعنی عدم توجه به شرایط واقعی بنگاه ها چه دولتی و خصوصی و مهم تر از آن، یعنی بی توجهی به بنگاه های بهره ور در قیاس با بنگاه های بدون بازده. در تعیین دستمزد و حقوق به بخش های مختلف هم باید این مسئله مورد توجه باشد و اینکه تمرکز دولت روی تسهیل شرایط بنگهداری در کشور باشد که در وضعیت اقتصادی کنونی به شدت دشوار شده است.

اعطای مشوق های بیمه ای و مالیاتی به کارفرمایان، همچنین تسهیل فضای رقابتی برای آن ها، منجر به افزایش عرضه کار خواهد شد و از سوی دیگر فرصت بیشتری برای کارگران و حتی آن هایی که با یک دستمزد (شغل) قادر به پوشش هزینه های خود نیستند، فراهم می کند. کارگر می تواند چند شغل را انتخاب کرده یا حتی با داشتن دو شغل؛ با این فرض که دستمزد کم باشد، مایحتاج زندگی خود را تامین کند. این آن چیزی است که با کمترین هزینه برای کمک به افزایش قدرت خرید می تواند دولت را یاری بدهد. متأسفانه در کشور ما، نه دولت نگاهی اساسی به بنگاه ها و شرایط آن ها دارد و نه خود بنگاه ها توانمندی لازم برای حفظ ادامه فعالیت هایش بدون کمک های دولت دارند. به همین دلیل پرداخت دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان دولت هیچ گاه و در هیچ دوره ای حتی آن موقع که نرخ تورم بسیار پایین بود؛ تمامی هزینه ها را پوشش نداده است.

کارشناس اقتصادی



کارشناس اقتصادی